

«تقصیر شهرداری است!»

خیلی دلمان می‌خواهد که با چند نفر از راننده کامیون‌هایی که خودروشان را در کوچه‌پس‌کوچه‌های «مهرگان» و «قرقی» یا حاشیه جاده سیمان پارک می‌کنند، گفت‌وگو کنیم، ولی یا کسی در ماشین نیست و اگر هم هست یک «برو آقا دلت خوشه» یا «دوست داریم اینجا پارک کنیم» تحویلمان می‌دهند؛ اما سرانجام موفق می‌شویم با یکی از آن‌ها سر صحبت را باز کنیم. آقای راننده را در حالی می‌بینیم که مشغول پارک کردن کشنده اش در خیابان امام رضا (ع) در شهرک «مهرگان» است. او که از ماقول گرفته تا نامش را در گزارشمان ذکر نکنیم، می‌گوید: «راستش را بخواهید سه چهار ماه می‌شود که اینجا را یکی از دوستان راننده ام به من معرفی کرده است. می‌گفت خیلی‌ها اینجا پارک می‌کنند و حالا من هم به همان جمع اضافه شده‌ام. ماشاء... خیابان‌های اینجا این قدر خلوت و بزرگ هست که ماشین من مزاحم کسی نباشد. شاید برخی از همکارانم زیر پنجره یا در جایی نزدیک خانه مردم ماشینشان را بگذارند، ولی من خودروم را حاشیه خیابان و دور از منازل مردم پارک می‌کنم.»

وقتی مشکلاتی را که در این مدت گریبان گیر مردم شده است، برایش شرح می‌دهیم، تعجب می‌کند و از شهرداری گله و شکایت می‌کند و می‌افزاید: «توقف گاه‌هایی که درست کرده‌اند، هم برای ما هزینه دارد و هم اینکه از خانه‌مان خیلی دور است. با این وضعیت بد کار باید کلی هزینه رفت‌وآمد هم بدهیم. اینجا پارک کردن به صرفه‌تر است.»

«شهرداری: پلیس راهور باید پاسخ‌گو باشد»

طبق قانون، وظیفه سامان‌دهی خودروهای باری و سنگین در شهر به شهرداری سپرده شده است و پلیس راهور در این میان نقش نظارتی و حمایتی دارد. موضوع را با سیدمهدی کمالی، رئیس اداره روابط عمومی سازمان «مدیریت حمل‌ونقل بار درون شهری و حومه» شهرداری مشهد، در میان می‌گذاریم. وی به شهرآرامحله منطقه ۳ می‌گوید: «بر پایه قانون، وظیفه ایجاد توقف گاه‌ها برای خودروهای سنگین به عهده شهرداری گذاشته شده است. ما هم در سازمان «مدیریت حمل‌ونقل» مطابق قانون وظیفه‌مان را انجام داده‌ایم و الان دو توقف گاه ویژه خودروهای سنگین ایجاد کرده‌ایم که بیست و چهار ساعته به صاحبان این خودروها خدمات می‌دهند؛ اما این را که آن‌ها چرا آزادانه در محدوده شهر تردد و یا پارک می‌کنند، باید پلیس راهور پاسخ‌گو باشد. چنان که ما تا حد ممکن با این گونه موارد برخورد می‌کنیم و خواهیم کرد.»

«تماس با پلیس فعلاً بدون پاسخ!»

تماس‌های ما با پلیس راهور برای گرفتن یک پاسخ روشن و منطقی درباره این مسئله بی‌نتیجه ماند و در شلوغی‌های آغاز سال تحصیلی جدید و هفته نیروی انتظامی گم شد. با این حال شهرآرامحله منطقه ۳ آمادگی شنیدن پاسخ پلیس راهنمایی و رانندگی را دارد.



کامیونی بیرون می‌آیند و به اولین عابر پیاده حمله می‌کنند. [ما همین جور در حالت عادی از ترس سگ به زور از خانه بیرون می‌آییم. صد جور دعا و آیه می‌خوانیم که به قول معروف به ما نپرند. الان که دیگر اوضاع بدتر شده است، با هزار ترس و استرس از کنار خودروهای سنگین رد می‌شویم که مبادا یک سگ از زیرش بیرون بیاید و ما را بگیرد، همان طور که این موضوع همین اواخر دوسه باری برای خانم‌ها اتفاق افتاده است.»

«امنیت بچه‌مدرسه‌ای‌ها تأمین شود»

این روزها دغدغه اصلی خیلی از خانواده‌هایی که بچه‌هایشان در مدرسه‌های حاشیه جاده سیمان درس می‌خوانند، نه تعداد فراتر از حد مجاز دانش‌آموزها در کلاس است و نه پول‌هایی که گاه‌وبی‌گاه باید پرداخت کنند. رد شدن بچه‌ها از عرض خیابان بیشتر از این مسائل فکر خانواده‌ها را درگیر کرده است. کشمیری که دست بچه‌اش را گرفته و می‌خواهد از خیابان بگذرد، می‌گوید: «من با سی و چهار سال سن، هنوز می‌ترسم با وجود کامیون‌ها از عرض خیابان رد شوم، وای به حال این بچه‌ها! بعضی روزها که نمی‌توانم دنبال بچه‌هایم و خودشان باید به خانه برگردند، تازمانی که زنگ در خانه را بزنند، من نیمه عمر می‌شوم! آیا حتماً باید برای کسی اتفاقی رخ بدهد و خدای نکرده بچه‌ای تصادف بکند که مسئولان به فکر بیفتند؟!»

اهالی ووالدین بچه‌ها می‌گویند باید برخورد سفت و سختی با کامیون‌های متخلف صورت بگیرد تا دیگر کسی جرئت نکند خودروش را اینجا بیاورد. مراد نژاد بیان می‌کند: «اگر فقط سه چهار روز مأموران راهنمایی و رانندگی کامیون‌های متخلفی را که بدون مجوز به داخل شهر آمده‌اند و اینجا را پارکینگ خودشان کرده‌اند، جریمه کنند، خبرش دهان به دهان می‌چرخد و به بقیه راننده‌ها هم می‌رسد. باور کنید خطر بچه‌های مدرسه‌ای این محدوده را دنبال می‌کند. کاش دست کم شهرداری وارد شود و علی‌الحساب یک پل عابر پیاده جلوی مدرسه احداث کند تا خیال خانواده‌ها راحت شود.»

«نگران جان کودکانمان هستیم»

یکی دوسال پیش بود که سهل انگاری یک راننده کامیون، کودکی شش ساله را به کام مرگ کشاند. کودکی که مشغول بازی میان چرخ‌های خودرو سنگین بود و موقع حرکت آن زیر تاپرها له شد. صحنه بازی بچه‌ها در اطراف خودروهای سنگین پارک شده را بارها به چشم دیده‌ایم. با مادر یکی از بچه‌ها که صحبت می‌کنیم، می‌گوید: «من و همه مادرهایی که بچه‌شان در کوچه مشغول بازی است، نگران هستیم که خدای نکرده اتفاقی برای بچه‌مان بیفتد. بالاخره ماشین بزرگ است و تقریباً دید مناسبی روی دور و اطرافش ندارد. هر چقدر هم که به بچه‌ها می‌گوییم سمت این ماشین‌ها نروند، فایده ندارد. خدا کند یکی پیدا شود و دست کم این اضطراب هر روزه را از ما دور کند.»

«تابلوهای «ورود کامیون ممنوع» برای چیست؟!»

صفر نژاد، شهروندی که متوجه موضوع گزارش ما می‌شود، از بی‌توجهی سازمان‌های مسئول به «مهرگان» و محدوده «قرقی» گله می‌کند و می‌افزاید: «کدام مشکل ما را حل کرده‌اند که این دومی‌اش باشد؟! اگر اینجا را جزو محدوده شهری به حساب می‌آورند، یک بار برای همیشه این معضل را رفع کنند. این یک مورد مثل بقیه مشکلات ما به نبود بودجه و این جور چیزها کار ندارد. بالاخره این کامیون‌ها که از هواروی زمین نیفتاده‌اند. از شهر عبور کرده‌اند و به «مهرگان» و «قرقی» رسیده‌اند. اگر ورود کامیون به شهر ممنوع است، چرا جلوشان را نمی‌گیرند و چنان که باید جریمه نمی‌کنند؟ اگر هم نیست که تابلوهای «ورود کامیون ممنوع» را جمع‌آوری کنند.»

اومی‌گوید: «اصلاً خطراتی که خودروهای سنگین برای عابرها و بچه‌ها و محیط زیست دارند به کنار؛ زیر این کامیون‌ها، آغل سگ شده است! هنوز حرفش تمام نشده، دو بیست متر جلوتر یک سگ و سه توله‌اش از زیر



هنوز حرفش تمام نشده، دو بیست متر جلوتر یک سگ و سه توله‌اش از زیر کامیونی بیرون می‌آیند و به اولین عابر پیاده حمله می‌کنند